



حامد هادیان

خبرنگار

در یکی از پارک‌های جزیره بوموسی، وقتی در حال فیلمبرداری از الاکلنگ و تاب‌های بازی بودیم، دخترکی که نمی‌دیدمش با صدایی

چند هفته پیش برای نوشتن گزارشی از وضعیت بوموسی همراه با یک گروه مستندسازی به جزیره رفتم. گروه مستند می‌خواست از فیبرهای نوری که به تازگی توسط شرکت زیرساخت، به جزیره رسیده‌اند گزارش تهیه کند و من هم، کمک‌دست‌شان باشم و کار خودم را بکنم، تا به امروز وضعیت ارتباطی، جزیره در حوزۀ موبایل و اینترنت به‌صورت رادیویی بوده و بعد از افتتاح طرح فیبرهای نوری وضعیتش تسهیل شده است. اینترنت نسل چهارم و پنجم از سال ۹۵ به جزیره رسیده است. ولی در این سال‌ها هر طوفانی اینترنت و موبایل جزیره مختل می‌شده است. حالا اما وضع فرق کرده است. با تکمیل پروژه فیبر نوری دیگر خبری از قطعی و اختلال نیست و اینترنت بوموسی همیشه برقرار است. شاید تا مین زیرساخت در جزیره با حساب و کتاب‌های اقتصادی جور درنیاید ولی بعضی مواقع چیزهایی به این حساب‌و‌کتاب‌های اقتصادی می‌چربد. هرچند شرکت زیرساخت می‌گوید با یک سوم هزینه خارجی توانسته فیبر نوری به جزیره برساند ولی اساسا فیبر کشی به جزیره و آن هم به طول ۱۲۰ کیلومتر چندان توجه اقتصادی ندارد و شاید پولش به این زودی‌ها برنگردد ولی ماجرا گاهی در این جزیره حیثیتی می‌شود. بعد از قبول پیشنهاد برای رفتن به جزیره، تازه فهمیدم راه‌های رسیدن به جزیره محدود است. البته قبلیش هم فکر می‌کردم که به آسانی نمی‌توان به جزیره رفت. دوست هماهنگ کننده گفت: «فقط روز چهارشنبه، هواپیمای برای رفتن به جزیره داریم.»

روز موعود شبانه و هوایی به بندرعباس رسیدیم. فرمایش هم از بندر لنگه به مقصد جزیره راهی شدیم. از همان اول و با حرف‌زدن با همسفرها، دوزاری مان افتاد که بزرگ‌ترین معضل جزیره مساله حمل‌ونقل است. برخلاف همه پیشرفت‌هایی که در طول سال‌های بعد از انقلاب در حوزه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و… در شهرهای مختلف ایران انجام شده جزیره در این سال‌ها عقبگرد داشته است. پروازها و کشتی‌هایی که وظیفه انتقال کالا و ساکنین به جزیره را برعهده داشتند، به دلایل مختلف ازجمله تحریم‌ها هر روز کمتر شده‌اند. آن قدر کم، که روزی که وارد جزیره شدیم خیردار شدیم دختر بچه‌ای دستش شکسته و کسی نیست به اورسیدگی کند. به ناچار باید او را برای درمان به بندر لنگه می‌رساندند. و به خاطر نبودن کشتی، آخر سر -دختر را با قایق تندروی ماهیگیری به بندر لنگه منتقل کردند. معضل حمل‌ونقل آنقدر جدی است که متخصصان حاضر نیستند به این جزیره بیایند و مثلا پزشک در جزیره پیدا نمی‌شود.

|||

تا قبل از رفتن به جزیره تصویر گنگی از جزیره نوی سرم بود. ما با یک هواپیمای دو ملخه باک ۱۳ به جزیره رفتیم و در فرودگاهی نشستیم که جزیره را به دو قسمت تبدیل می‌کند. بخش‌های زیادی از جزیره نظامی است بنابراین تصویربرداری و گزارش از جزیره به آسانی نیست. باید با ده جا هماهنگی کنی تا نکند دوربینت تجهیزات نظامی را در قایش بگیرد. هرچند با توجه به وجود تجهیزات ماهواره‌ای پیشرفته، شاید گیر بی‌خودی است.

وسپله رفتن و نقلیه برای سفر به جزیره، کشتی است که آن هم هفته‌ای دوبار می‌رود. به‌علاوه هواپیمای دو ملخه ۱۲ نفره که طبعاً تعداد کمی مسافر را جابه‌جا می‌کند.

بلند گفت «اهل اینجا نیستید؟» برگشتم و نگاهش کردم و گفتم نه. صورتش را به طرف دوستش که همان جا بود- برگرداند و با ذوق گفت «بدیدی اهل اینجا نیست!» فهمیدم قبلیش با هم دربارۀ ما حرف زده‌اند. فاطیما یعنی همان دخترک ادامه داد: «بوموسی به درد زندگی نمی‌خوره. اینجا نمونین». با خنده گفتم: «نمی‌مونیم». بعدتر فهمیدم بچه‌ی یکی از کارمندان ساکن بوموسی است. با تعجب از

جامعه

گزارشی میدانی از استراتژیک‌ترین جزیره ایران

در بوموسی بادبادک سفید نیست

حرف‌های بزرگانه‌اش، پرسیدم «چرا؟» فاطیما گفت: «چند ماه قبل معلم‌مون گفت فردا برای کار کلاسی، بادبادک سفید بخرید و بیارید. من هم به بابام گفتم و فرداش کل جزیره رو گشتیم و بادبادک سفید نبود. تا صبح گریه کردم. فرداش وقتی بابا به معلم‌مون تلفن زد. گفت اونقدر ا هم واجب نبود. ولی من دلَم شکست. اینجا هیچی نداره. چند سال پیش، بابا تنها- برای کار اینجا اومده بود و منم هر

|||

بوموسی جایی در وسط خلیج فارس است و جلوترین بخش ایران در آن جاست است. همین جزیره کوچک این امکان را برای ایران ایجاد کرده که بتواند بر کل خلیج فارس اشراف داشته‌باشد و در بسیاری از مواقع برخورد با کشتی‌های خارجی متخلف برعهده نیروهای نظامی مستقر در جزیره است. جزیره بوموسی حدود ۴ هزار نفر جمعیت غیرنظامی دارد که در گذشته عدد بالاتری بودند ولی به دلیل مشکلاتی که مردم در این جزیره داشتند جمعیت جزیره هر روز کمتر شده است. عمو ناصر یکی از ساکنین قدیمی جزیره که یک بومگردی هم در جزیره دارد، خاطراتی از گذشته دارد که هم وضعیت حمل‌ونقل و هم گردشگری جزیره روبه‌راه‌تر بود. ولی حالا زن و بچه خودش هم جزیره را ترک کرده‌اند و به تنهایی در باغش زندگی می‌کند. عمو ناصر پیگیر جدی مشکلات جزیره بود. حتی اس‌ام‌اسی‌اش نشان مان داد که به دکتر قالیباف رئیس مجلس پیامک داده که فرماندار بوموسی کم کاری می‌کند. دکتر قالیباف هم جواب داده که پیگیری می‌کند. اتفاقاً فرماندار دو هفته بود که عوض شده بود و حاضر به مصاحبه با ما هم نشد. عمو ناصر به تلخی و کنایه می‌گفت: «آخرش هم جزیره را می‌دهیم به امارات و آنها آبادش می‌کنند.» این تصویری است که مردم از امارات دارند حتی اگر اماراتی‌هایک دکلم‌مخابراتی هم در جزیره نداشته باشند و همین تلفن و اینترنت‌شان را از شبکه رومینگ ایران در جزیره تامین کنند.

|||

بوموسی جمعیت بومی ندارد. این را از قبرستانی که در شهر وجود ندارد می‌شود فهمید. هرچند کسانی که در ۵۰ سال گذشته و قبلیش پا به آن گذاشته‌اند ایرانی هستند و از شهرهای جنوبی ایران به دلایل مختلف به آنجا کوچ کرده‌اند. صیادانی که در جزیره حضور دارند بعد از گذشت سال‌ها به‌عنوان بومیان اصیل‌تر آن شناخته می‌شوند. صیادان برخلاف کارمندانی که به جزیره آمده‌اند جزیره را دوست دارند و قصد ندارند جزیره را ترک کنند. هرچند آنها هم ناراضی هستند و از نبود امکانات صیادی مثل یخچال‌های نگهداری ماهی گلایه دارند. از طرفی آنها هم زخم‌خورده کشتی‌های ترال هستند. کشتی‌های که باتورهای عمیق همه دریا را جارو می‌کند. صادقی یکی از صیادان می‌گفت برخلاف گذشته که دور تا دور جزیره ماهی بود. حالا باید کیلومترها دور شویم. دریایانی هم خیلی نمی‌تواند با قاچاقچیان برخورد کند. نهایت یک جریمه می‌کند که آنها بیشترش را در می‌آورند. بوموسی زمینه پرورش ماهیان آکواریومی، مرجان، اسفناج‌ها، لابستر و بسیاری موجودات و محصولات دیگر دریایی را دارد، ولی هنوز سرمایه‌گذاری جدی در این زمینه نشده است. فعالن صیادی در جزیره حدود ۳۰۰ نفر هستند. در عین حال جزیره یکی از مراکز صدور نفت است و در زمینه سنگ‌های معدنی هم قابلیت‌های زیادی دارد.

|||

ورود گردشگران به جزیره ممنوع نیست ولی سخت‌است و خیلی امکاناتی وجود ندارد که جزیره برای آنها دلنشین باشد. در چند سال گذشته چند گروه توریستی به جزیره آمده‌اند ولی ادامه پیدا نکرده است. از طرفی ورود اتباع خارجی به جزیره ممنوع است. جزیره یک ستوران بیشتر ندارد که آن هم یک ستوران معمولی است که دو بار در

دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۱۴۰۲ شماره ۳۸۸۵



مدیرمسئول: محمد امین ایمانجانی-**سردبیر:** مسعود فروغی

تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱) **کدپستی:** ۱۱۳۵۱۳۳۸۱۶

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فریختگان، طبقه سوم

آن غذا بخوری غذایت تکراری می‌شود. امکاناتی مثل آب، برق و گاز در جزیره وجود دارد ولی تسهیل حمل‌نقل می‌تواند زندگی را به جزیره بازگرداند.

نانوایی که به تازگی به جزیره آمده است می‌گفت: «من هم فقط اسم جزیره را شنیده بودم ولی نمی‌دانستم از لحاظ زیرساخت‌های عمومی اینقدر با کیش و قشم تفاوت دارد.» البته همین مساله باعث شده که ساحل بوموسی دست‌نخورده و تمیز بماند و حتی به راحتی بتوان کف دریا را دید. غروب‌ها که کنار ساحل‌های غیرنظامی راه می‌رفتیم کودکانی‌امی دیدیم که آمده‌اند ماهی بگیرند؛ تنها تفریح جذاب جزیره برای بومیانش.

|||

اگر کسی خارج از جزیره بخواهد به آنجا بیاید باید با بخش گردشگری جزیره تماس بگیرد تا بلیت کشتی را رزرو کند. عمو نادر هم می‌تواند این کارها را انجام دهد و هفته‌ای یکی دو نفر میهمان دارد. بقیه جاها سازمانی است و معمولاً خود سازمان‌ها اگر میهمانی داشته باشند خودشان هم خوابگاه دارند. در بین طبیعت گردان حرفه‌ای، بوموسی یکی از بهترین نقاط ویژه برای غواصی است که البته غواصی در جزیره هم نیاز به مجوز دارد.

|||

هسر ایرانی از دور حس افتخار آمیزی نسبت به جزیره دارد ولی اگر به این جزیره نفره‌ای با بگذارد از وضعیتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند حتماً غمگین می‌شود. یکی از بومیان جزیره می‌گفت در جزیره شب و روز برای ما فرقی ندارد. فقط سکوت است.

تیم مارشال در کتاب «قدرت جغرافیا» می‌گوید: «جغرافیا عاملی کلیدی برای محدود کردن آن چیزی است که بشر می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد. بله، سیاستمداران میهماند، اما جغرافیا مهم‌تر است. تصمیم‌های که مردم می‌گیرند، چه حالا و چه در آینده، مستقل از بستر فیزیکی آن نیست. نقطه شروع داستان هر کشوری موقعیت آن نسبت به کشورهای همسایه، مسیرهای دریایی و منابع طبیعی است.» چیزی که درباره جزیره بوموسی هم صادق است.

در روز آخر وقتی با صیادان به دریا رفتیم. از دریایی می‌گفتند که دردان دریایی ترال، ماهیان را اغارت می‌کنند. با نگاه به صورت سوخته، چشمان عمیق‌شان و پنجه‌های که به قول محمود دولت‌آبادی می‌خواست خفگی را از گردن- گلوی خود وا کند. حس می‌کردم که چقدر دل‌شان برای این خاک و آب می‌تپد. همان جا یاد جمله‌ای از ارنست همینگوی در رمان «پی‌رمرد دریا» افتادم که می‌گفت: «چی تو رو شکست میده؟ هیچ چیز… هیچ چیز! انسان رومی شه نابود کرد ولی نمی‌شه شکست داد.» مردم جزیره بوموسی مانند قهرمان همینگوی هیچ‌وقت شکست نمی‌خورد؛ هرچند نادیده گرفته شوند.

مردم جزیره مثل مردم مرزنشین، معتقدند آنها هستند که در صورت لزوم جلوی دشمن خارجی را می‌گیرند. در واقعیت هم نیروهای نظامی به تنهایی نمی‌تواند عاملان حفظ امنیت منطقه باشند.

در روزهایی که در جزیره بودم دنبال پرچم بزرگی از ایران بودم که وجودش حتماً اینجا لازم است و معنی ویژه دارد. ولی به غیر از پرچم‌های رنگ‌ورورفته کوچک چیزی ندیدم.